

## تحلیل و نقد کتاب «الفتنه»

محمدحسن الهی‌زاده\*

### چکیده

کتاب «الفتنه جدلیه‌الدین و السیاسة فی الاسلام المبکر» اثر متفکر و مورخ تونسی دکتر هشام جعیت از جمله آثار در سطح جهانی است که در دسامبر ۱۹۹۱ به عربی ترجمه و توسط انتشارات دارالطبیعة در بیروت به چاپ رسید. در این کتاب که در قالب پنج‌بخش تنظیم شده است، رویدادهای مهم تاریخی که در سی سال پس از رحلت نبی مکرم (ص) بوقوع پیوست مطرح شده و با محوریت رویدادهای سال‌های پایانی خلافت عثمان و دوران خلافت امام علی (ع) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. وحدت دینی، بنای دولت اسلامی و جهاد، فتوحات و امپراتوری اسلامی، جنگ‌های جمل، صفین و نهروان از مباحث اساسی کتاب محسوب می‌شود. اصطلاح فتنه، پنج‌سال پایانی دوره خلافت راشدین را شامل می‌شود، دوره‌ای که، به نظر نویسنده کتاب، ترکیبی از نزاع داخلی و نزاع دینی است که نهایتاً منجر به بروز احزاب و گسست اجتماعی در امت پیامبر (ص) شد. با وجود اهمیت این مسأله، و این‌که تاکنون اثر تاریخی جدی در این خصوص تألیف نشده است نویسنده تلاش داشته است با دقت، وسواس و ژرف‌نگری اثری تاریخی بنگارد. در این مقاله ضمن معرفی شکلی اثر به تحلیل بیرونی و درونی و نقد و ارزیابی آن پرداخته‌ایم.

**کلیدواژه‌ها:** فتنه، قاریان، معاویه، علی، دیانت، سیاست.

### ۱. مقدمه

سال‌های دهه‌ی سی هجری قمری در تاریخ اسلام، سال‌های مهم و تعیین‌کننده‌ای از لحاظ سیاسی و فکری و اعتقادی محسوب می‌شود. تراکم رویدادهای سیاسی و فکری

\* دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند [mhelahizadeh@birjand.ac.ir](mailto:mhelahizadeh@birjand.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۸، تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۵

در این دهه به قدری است که پس از گذشت قرن‌ها، کانون توجه مورخان و پژوهشگران بوده است. کشته شدن دو خلیفه و حاکم جامعه اسلامی، بروز سه جنگ داخلی (جمل، صفین، نهروان) و پیدایش فرق و گروه‌های مختلف فکری نظیر خوارج از ویژگی‌های بارز این دهه است. مورخان و پژوهشگران تاریخ بسته به خاستگاه فکری و زاویه‌ی دید رویکردهای متفاوتی به این دهه داشته‌اند. هشام جعیت در این کتاب با تعبیر فتنه از این ایام به بحث و تجزیه و تحلیل رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فکری این دهه پرداخته است.

## ۲. معرفی کلی و تحلیل بیرونی اثر و مولف

کتاب «فتنه جدال دین و سیاست در دوره نخستین اسلامی» اثر متفکر و مورخ تونسسی، دکتر هشام جعیت به زبان فرانسه (La Grande Discorde. Religion et politique) است که توسط خلیل احمد خلیل - استاد عرفان و فلسفه دانشگاه لبنان - با عنوان «الفتنة جدلیه الدین و السیاسه فی الاسلام المبکر» به زبان عربی ترجمه شده و برای اولین بار در دسامبر ۱۹۹۱ توسط انتشارات دارالطلیعه در بیروت به چاپ رسید. نقد و بررسی حاضر، براساس چاپ چهارم در مارس ۲۰۰۰ صورت گرفته است. این کتاب در قالب یک مقدمه، پنج-بخش و پیوست‌ها تنظیم شده، که شامل ۳۳۵ صفحه می‌شود. بخش نخست کتاب که «عصر پیدایش اسلام» نام دارد شامل سه مبحث وحدت دینی، بنای دولت اسلامی و جهاد، فتوحات و امپراتوری اسلامی می‌باشد. بخش دوم «فتنه در قالب بحران و بروز جنگ» نام دارد که ذیل سه عنوان اصلی تحولات، بحران و جنگ تنظیم گردیده است. بخش سوم «فتنه پرهیجان، دوران جنگ» نام دارد و شامل سه قسمت بررسی تاریخی و تاریخگذاری، علی (ع) و اتحاد سه گانه جمل و نبردگاه صفین می‌باشد. بخش چهارم تحت عنوان «خط سازش و خط دگم اندیشی» با دو مبحث روی آوردن به حکمیت و پیدایش جریان خارجی‌گری و نهروان و کشتار خوارج به بیان قسمتی از دوران حکومت علی (ع) می‌پردازد. بخش پایانی «کشمکش بر سر قدرت» نام دارد و ذیل سه مبحث افزایش دایره نفوذ معاویه، محدودیت مجال نفوذ علی (ع) و دستیابی معاویه به حکومت مرتب شده است. در پایان کتاب بحثی تحت عنوان اضافات در قالب شش

صفحه آمده است. پایان بخش مطالب، کتابنامه است که به ترتیب شامل منابع و پژوهشها (عربی-لاتین) می‌باشد.

مسأله اصلی کتاب، چرایی و چگونگی بحرانی شدن مناسبات دین و سیاست در دوره‌ی فتنه است. منظور از فتنه، حوادث پنج‌سال پایانی دوره‌ی خلافت راشدین (۳۵-۴۰ هجری) است که منجر به افتراق و تجزیه امت پیامبر (ص) شد. از نظر نویسنده، قاریان عراقی، معاویه و علی (ع) سه عامل و بازیگر اصلی دوران فتنه بحساب می‌آیند. در این دیدگاه، جریان فتنه مسأله‌ای دینی-سیاسی به حساب می‌آید که ریشه‌ی آن در برداشتهای مختلف طرف‌های دعوا از دیانت و سیاست است. قاریان که در قتل عثمان نقش مستقیمی داشتند به ظاهر و لفظ کلام خداوند باور داشتند و در برداشتهای خود از آیات قرآن، زمان و مکان را لحاظ نمی‌کردند. معاویه و یاران شامی‌اش که در مقام خونخواهی عثمان ادعای قصاص داشتند، در پوششی از هدفی دینی بدنبال کسب اقتدار سیاسی بودند. در جبهه‌ی سوم علی (ع) از یک سو و عایشه، طلحه و زبیر از سوی دیگر قرار داشتند (جعیت، ۲۰۰۰: ۶). نویسنده فرآیند تحولات در این پنج‌سال را این‌گونه ترسیم می‌نماید: قاریان عراقی پس از کشته شدن عثمان گرد علی (ع) جمع شدند و همچون سایر مردم با او بیعت کردند. عایشه، همسر پیامبر (ص) به همراه طلحه و زبیر در طلب خون عثمان علیه علی (ع) قیام کرد. پس از شکست اصحاب جمل و فروکش کردن غائله‌ی خونخواهی عثمان در عراق، معاویه و یارانش در شام با همان شعار در برابر علی (ع) ایستادند. در بحبوحه‌ی نبرد صفین یاران علی (ع) دچار اختلاف شدند که حاصل آن حکمیت و سپس ظهور گروه خوارج بود. چندی نگذشت که علی (ع) بدست خوارج ترور شد در حالیکه هنوز اختلاف و چند دستگی در میان عراقیان از بین نرفته بود. سرانجام، معاویه حاکم شد و ماجراهایی که بر محور قتل عثمان شکل گرفته بود به انتهای خودش رسید. نویسنده در پایان با اشاره به سابقه و عملکرد روشن اسلام‌گرایانه‌ی علی (ع) و نیز استناد به تلاش‌های قاریان برای جلوگیری از انحراف حکومت او و جهت دادن آن به سوی احکام کتاب خدا، بر این نکته تاکید می‌کند که أمویان از این وضعیت به نفع خود بهره بردند و خلافت را تصاحب کردند (جعیت، ۲۰۰۰: ۷).

از نظر جعيط، فتنه ترکیبی از جنگ داخلی (رقابت‌های قومی و منطقه‌ای) و نزاع دینی (قرائت‌های متفاوت) است که افراد بسیاری را به خود مشغول داشت در حالی که جز خستگی روحی و روانی و تلفات جانی و مالی نتیجه‌ی دیگری نداشت. نویسنده معتقد است با وجود اهمیت این مسأله، جای تعجب است که تاکنون اثر جدی در این خصوص تألیف نشده است جز کتاب فتنه بزرگ اثر طه حسین که اثری ادبی است تا تاریخی.

نویسنده تلاش کرده است با دقت، وسواس و ژرف‌نگری اثری تاریخی بنگارد و چگونگی اندیشه‌گری و اوضاع مردمان آن دوره را که «مرحله تأسیس هویت اسلامی» می‌نامد، بفهمد. او سعی کرده است بخوبی انبوه داده‌های تاریخی را درک کرده و همراه با تحلیلی اساسی، تاریخی بی‌کم و کسر بنویسد. او اثر خود را احیای قسمتی از تاریخ پرفراز و نشیب و متراکم اسلام دانسته که با تکیه بر مطالب معتبر تاریخی و مستند نوشته شده است (جعيط، ۲۰۰۰: ۸).

مؤلف اثر، هشام جعيط (۱۳۱۴ش - ۱۳۵۴ق) یکی از روشنفکران و تاریخ‌نگاران برجسته تونس است که تاکنون کتاب‌های زیادی در زمینه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی و عربی، قرآن، نبوت و سیره‌ی پیامبر (ص) نوشته است. او در ۱۹۸۱ از دانشگاه پاریس دکترای تاریخ اسلام گرفت و در همین رشته در دانشگاه‌های تونس مشغول به تدریس شد. بعدها در کرسی‌های تاریخ اسلام دانشگاه‌های آمریکا و فرانسه نیز به تدریس پرداخت. برخی کتاب‌های او به زبان فرانسه و برخی دیگر به زبان عربی منتشر شده است.

### ۳. تحلیل درونی اثر

#### ۳-۱. فتنه

به باور نویسنده اسلام دعوتی دینی است که رویکردی فرهنگی دارد (جعيط، ۲۰۰۰: ۲۱). او سه عنصر سلطه‌ی خداوند، کاریزمای پیامبر (ص) و امت را عوامل بوجود آورنده‌ی دولت اسلامی معرفی می‌کند (جعيط، ۲۰۰۰: ۲۶). در نظر او، فتنه ترکیبی از جنگ داخلی و نزاع دینی است (جعيط، ۲۰۰۰: ۸).

نویسنده یک سری تحولات بهم پیوسته و در عین حال متفاوت و گاه متعارض را که در جهت وحدت امت اسلامی روی داده است را مدنظر قرار داده و همه را تحت یک جریان یعنی فتنه معرفی و تفسیر کرده است. در واقع آن را ترکیبی از جنگ‌ها، مسائل دیپلوماسی، شخصی و ایدئولوژیکی می‌داند. از نظر او فتنه پیچیده و در حال دگرگونی است و امکان ندارد آن را در مفهوم شناخته شده نزد فکر غربی یعنی جنگ داخلی (به قول ولهاوزن) تعبیر کنیم همانگونه که نمی‌توان آن را جنگی دینی صرف دانست و انقلاب به معنای دقیق نیز بشمار نمی‌آید زمانی معنای دقیق آن روشن می‌شود که مراحلش را ترسیم نماییم (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۳). از نظر او مخالفت عراقیان و مصریان با عثمان آغاز دوره فتنه بشمار می‌آید. اهم مواردی که سبب بروز مخالفت علیه خلیفه عثمان شد در درجه‌ی نخست مربوط به سیاست شهرها و اقدامات ظالمانه و ستمگرانه والیان او بود، آنان از عثمان می‌خواستند که والیانش را عزل کند، بویژه عبدالله بن سعد والی مصر. در سطحی دیگر، مخالفت‌ها معطوف به همان اعتراضات اسلامی و اساسی بود که پیش از این صحابه‌ی شناخته شده‌ای نظیر ابوذر، عمار، عبدالله بن مسعود و دیگران، درباره‌ی دزدی از بیت المال، خویشاوندگرایی در حکومت، آتش زدن قرآن‌ها به عثمان داشتند و از آن با عنوان تبدیل و تغییر یاد می‌کردند. در درجه‌ی سوم مخالفت‌ها به عدم وفاداری عثمان به قرارها و تعهدات آغاز روی کارآمدنش برمی‌گشت بویژه عمل بر اساس سنت ابوبکر و عمر که مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود. از این‌رو مخالفت‌ها گاه به نام اسلام، گاه به اسم قرآن و گاه به اسم سنت نبوی و شیخین مطرح می‌شد.

از این دیدگاه فتنه فترات مختلفی را تشکیل می‌دهد، صحنه‌های قتل و نبرد است، دست اندرکارانش زیاد هستند، مواضعش متعدد و از مدینه تا بصره و شام و سرحدات شرقی عراق گسترده است (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۲) و چهار واقعه‌ی قتل عثمان، جنگ جمل، جنگ صفین و جنگ نهروان را شامل می‌شود (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۱). فتنه پدیده‌ای چند وجهی است که صرفاً به معنای اختلاف و نزاع نیست، بلکه به معنای وحدت نیز هست، وحدتی که در ورای اختلاف و نزاع جست‌وجو می‌شد. به سخن دیگر فتنه تصویری شامل بود که محدود به واقعه‌ی جنگی نمی‌شد بلکه اولویت اجماع را مدنظر داشت مثلاً کسانی که از بیعت با علی (ع) سر باز زدند و در گوشه‌ی دلپسندی اعتکاف کردند بر این باورند، نمونه‌ی بی‌غل و غش آن سعدبن ابی وقاص است (جعیت، ۲۰۰۰:

۲۴۲). لذا می‌توان گفت فتنه شامل مجموعه‌ی کاملی از وقایع پیوسته‌ی مرتبط بهم است که به تمام ویژگی‌های تاریخی‌اش در منابع ظهور نکرده و ماهیت و محتوای آن بصورت کامل مورد بررسی قرار نگرفته است (جعیط، ۲۰۰۰: ۲۴۲).

نویسنده معتقد است سه گروه در فتنه نقش داشتند: اسلام رادیکالی (قاریان)؛ اسلام تاریخی و شرعی (علی) و اسلام سیاسی و آریستوکراسی (معاویه) (جعیط، ۲۰۰۰: ۳۲۳). دوره‌ی فتنه با شورش علیه عثمان شروع شد، از سال ۳۸ به بعد وارد مرحله‌ی جدیدی شد، معاویه به‌عنوان قدرت برتر مطرح شد (جعیط، ۲۰۰۰: ۲۴۳) و در اوضاع، دگرگونی همه‌جانبه‌ای بروز کرد، قلمرو تحت امر علی (ع) تحت هجوم معاویه قرار گرفت و در نحوه‌ی نزاع و شیوه‌ی جنگ میان طرفین تغییراتی حاصل شد (جعیط، ۲۰۰۰: ۲۴۴). با شهادت علی (ع) فتنه به منتها درجه‌ی خود رسید (جعیط، ۲۰۰۰: ۲۹۲) و کنارگیری حسن بن علی از خلافت و تحقق سلطه‌ی بدون منازع معاویه بر قلمرو اسلامی نیز پایان بخش دوره‌ی فتنه بشمار می‌رود (جعیط، ۲۰۰۰: ۳۲۰). از آن‌جا که علی (ع) مرکز توجه حوادث فتنه است، ثمره‌ی تطور تاریخی بعد از شهادتش، انعکاس سه وجه از او در ضمیر جامعه‌ی اسلامی است: علی ایمان، علی اسطوره و علی تاریخ (جعیط، ۲۰۰۰: ۳۰۱).

### ۳-۲. قاریان - خوارج

ائتلافی که پیرامون علی (ع) جمع شدند از لحاظ ایدئولوژی و اقلیم منسجم نبودند، قاریان، اشراف، کوفیان، انصار و بصریان (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۹۶). در خصوص ماهیت قاریان باید گفت آنان نه اشتراک قبیله‌ای داشتند نه اشتراک جهادی بلکه عملاً از «اهل-الایام‌والقادسیه» بودند، آنان عموماً در اسلام سابقه داشتند و معمولاً بزرگان‌شان از حقوق اجتماعی آن‌ها در مقابل حاکمان دفاع می‌کردند. آنان فاقد جایگاه قبیله‌ای خاصی بودند و عمدتاً به سبب وجه شخصی و صفات فردی و نفوذ در قبیله‌شان اهمیت داشتند، نه به سبب جایگاه برخاسته از نظام قبیله‌ای. اشخاصی نظیر مالک‌اشتر، کمیل بن زیاد، حجر بن عدی، حارث بن عبدالله همدانی و حتی بزرگان قبیله‌ای نظیر اشعث بن قیس (کنده)، سعید بن قیس (همدان) و جریر بن عبدالله (بجیله) در زمره‌ی قاریان عراقند و بیشتر از قبایل یمنی نخع، مذحج، همدان، ازد و کنده هستند و بندرت از ربیعه و مضر بین آن‌ها یافت می‌شود.

ابوموسی اشعری در گستره‌ی ایدئولوژی به جریان قاریان اصالت داد و با مواضع خود جریان اعتزال بی‌طرفانه را عینیت بخشید، اعتزالی سلبی و تامل‌زا که به صحرا پناه می‌برد و ساکت است نه، بلکه اعتزالی اثباتی و ستیزه‌جویانه و تا بیشترین اندازه مقاوم، جریان اعتزالی که از مردم می‌خواست برای بازگشت وحدت و زایل شدن فتنه شمشیرها را غلاف کنند (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۶۰). این اعتزال در وجود جنگجویان کوفی بذر شک می‌کاشت و در ضمیر کوفیان افکار صلح‌آمیزی که غایب شده بود را زنده می‌کرد و تاروپود تناقضاتی که علی (ع) را در خود سردرگم خواهد نمود، می‌بافت. ابوموسی شخص مرکزی عمل اعتزال در کوفه به حساب می‌آید که بعد از شکست ظاهری و عزلش از حکومت کوفه، همچنان از بزرگ کردن سایه‌ی طولانی کلامش در درون ضمیرها بازنايستاد (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۶۱) و نافرمانی کوفیان در صفین از علی (ع) نتیجه‌ی کارهای ابوموسی و اشراف عراق بود (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۱۱).

نویسنده خوارج را دو دسته می‌داند: دسته‌ی اول شامل کسانی است که بعد از جنگ صفین و قبل از تجمع نهروان بروز کردند که اصطلاحاً به حروریه یا قاریان معروفند. مرحله‌ی دوم کسانی که در نهروان جمع شدند و تکمیل‌کننده‌ی فکر خارجی‌گری هستند و تنها خود و همفکران با خود را مسلمان می‌دانند و بقیه را کافر تلقی می‌نمایند. تنها گروهی که اندیشه‌ی تحکیم را به جد پی‌گیری می‌کرد گروه قاریان-خوارج بود (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۲۱). خوارج گروهی بودند که شعورشان را در عمل مصروف به حق کردند نه در تامل (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۲۵). خوارج حکومت بشری را قبول داشتند لیکن استیلای قریش بر خلافت را نمی‌پذیرفتند (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۲۵). در نظر خوارج دین یعنی ایمان خاص نه علم کلام خاص، آنان هر کسی را که با راییشان همراه نبود کافر می‌شمردند و در ادامه ملعون و خونش را حلال می‌دانستند (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۲۷). مساله‌ی سیاسی پشت ادعای خوارج نیست چون آن‌ها سیاست را ذاتاً انکار می‌کردند و صرفاً درک محضی از عاطفه‌ی دینی داشتند، یعنی جنبه‌ای از دین که با زهد و یقین به حقیقت و دعوت به شهادت همراه است (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۲۸). قاریان-خوارج گروهی هستند که با تمام وجود در تمامی صحنه‌های مهم تاریخی قبل از فتنه حاضر بودند و پس از آن در نبردها، علیه عثمان، طلحه، زبیر، معاویه و نهایتاً علی جنگیده بودند و پیوسته خون داده بودند یا خون ریخته بودند (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۲).

خریت بن راشد بعنوان ادامه دهنده‌ی جریان قاریان-خوارج که در کوفه علیه علی(ع) به سرکشی قیام کرد، سه مساله‌ی اساسی را مدنظر داشت: مظلوم کشته‌شدن عثمان، خلع علی(ع) و معاویه بر اساس حکمیت و واگذار کردن امر تعیین خلیفه به شورا. مراد او از شورا عملی است که از طریق آن تمام امت پیشوای خود را برگزینند و پیرامون اسم و شخصش اتفاق کنند. آن شخص امامی است که از اجماع بهره‌مند است(جعیت، ۲۰۰۰: ۲۶۱). شورش فارس و کرمان نیز متأثر از ماجرای سرکشی خریت بن راشد بوده البته می‌تواند متأثر از عملکرد حاکم فارس زیاد بن ابیه نیز باشد(جعیت، ۲۰۰۰: ۲۷۸).

### ۳-۳. عایشه، طلحه و زبیر

ماجرای خونخواهی عثمان از سوی عایشه در درجه‌ی نخست امری معنوی/اخلاقی بود و در درجه‌ی دوم سیاسی. یعنی تامین بزرگی اسلام و انکار مشروعیت علی(ع). به عبارت بهتر عمل عایشه نسبت به علی(ع) دسیسه و قیام علیه او نیست بلکه از آن باید تعبیر به حق‌خواهی و عدالت‌طلبی نمود یعنی دستگیری و محاکمه قاتلان عثمان. درست است که خلیفه مسلمانان شایسته‌ترین فرد برای رسیدگی به این امر است اما بر هر مسلمانی است که به قدر توان در مطالبه امور در جهت اجرای شریعت اسلامی و عمل به آن وارد شود و در واقع عایشه که ام المومنین است مسئولیتی در خصوص فرزندان‌ش که جمهور امت اسلامی هستند، دارد(جعیت، ۲۰۰۰: ۱۴۶). حرکت عایشه بدون پیوستن طلحه و زبیر به او که از صحابه‌ی برجسته بودند و همتای علی(ع) به حساب می‌آمدند، کامل نبود و تنها در این صورت توان موازنه با هیبت علی(ع) را داشت. البته در این میان عایشه نقش محوری داشت و روح عمل مطالبه به حساب می‌آمد. کافی بود این سه نفر در منظر مومنین حاضر شوند تا همچون آهن‌ربا آنان را جذب کنند و از درون به حرکت وادارند و به سرعت نیروی ضربه زننده‌ای ایجاد کنند(جعیت، ۲۰۰۰: ۱۴۷). علی(ع) از آن رو که فکر می‌کرد طلحه و زبیر بیعتشان را نخواهند شکست اجازه داد از مدینه به مکه روند(جعیت، ۲۰۰۰: ۱۴۸). اصحاب جمل برای طلب یاری به سوی بصره رفتند تا با کمک آنان و بر اساس شرع قاتلان عثمان را تعقیب نمایند. آنان یک لحظه هم به فکر جنگ با علی(ع) نبودند، به عبارت بهتر حرکت عایشه و طلحه و زبیر معطوف به مظلوم کشته‌شدن عثمان است نه به تغییر در



حکومت مدینه یا دشمنی با آن (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۴۹) و در همین راستا، عایشه در سخنانش برای بصریان از اصلاح به معنای قرآنیش سخن می‌گوید نه از ثار و خونخواهی (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۵۰)، همچنین عدم اتحاد اصحاب جمل، علیه علی (ع) با معاویه و عدم بکارگیری بازی دیپلوماسی از سوی آنها بیانگر اصلاح طلبی آنان است (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۵۲). از این دیدگاه نبرد جمل جنگی در راه دین و صراط و منهج یا راه علی با عایشه است، به عبارتی تقابل شور اسلام و غیرت عرب است، انگیزه‌ی دین در برابر انگیزه‌ی خون (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۶۹). البته جنگ جمل در نگاه بصریان جنگ زوجه پیامبر (ص) با پسر عمو یا برادر پیامبر (ص) بشمار می‌فت و از این منظر مساله‌ی اصلی یعنی خلافت، کمتر مورد توجه است (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۶۶).

### ۳-۴. معاویه و شامیان

معاویه و شامیان در پوشش دین ولی برای اهداف سیاسی خود تلاش می‌کردند، معاویه عملاً بعد از شکست طلحه و زبیر و عایشه، با شعار خونخواهی عثمان وارد ماجرا شد (جعیت، ۲۰۰۰: ۷) و فتنه به نبرد علی (ع) و معاویه منحصر شد (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۴). برخلاف عراقیان، جماعت شامی پیرو معاویه، علی‌رغم تفاوت قبیله‌ای از ترکیب نسبتاً یکدستی برخوردار بودند (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۹۶). البته مساله‌ی قتل عثمان مساله‌ی اصلی مورد منازعه‌ی معاویه با علی (ع) نبود (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۹۰)، بلکه معاویه اهداف دیگری داشت و قتل عثمان برای او بهانه‌ای بیش نبود. معاویه در آغاز برای خونخواهی عثمان وارد عمل شد ولی مدتی بعد بدنبال تشکیل شورا، به‌عنوان مرکزی شرعی و قانونی، برای تعیین وضعیت سیاسی مسلمانان بود و بعد از آن بوضوح خلافت خود را اعلام نمود (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۴). در نتیجه معاویه در سه مرحله‌ی منتقم، نامزد خلافت و خلیفه برنامه‌های خود را پیش برد (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۵). به باور نویسنده، در ابتدا این بلندپروازی‌ها مدنظر معاویه نبود، یعنی تا سال ۳۸ معاویه هنوز تمایلی به خلافت از خود نشان نمی‌داد، بلکه صرفاً به برخی مناطق تحت امر علی (ع) تجاوز می‌کرد و در واقع از سال ۴۰ هجری است که تمایل او به خلافت به صورت پافشاری نمایانگر می‌شود (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۶).

نویسنده در مقایسه‌ای میان جنگ جمل و صفین بر این باور است که این دو در امر دین شبیه هستند چنانکه در جمل، چارپایی شرف رسول را حمل می‌کرد و در صفین،

نیزه‌هایی کلام خدا را (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۰۳). معاویه از نتایج حکمیت سود بسیار فراوانی برد، حداقل به قانونی بودن حکومتش نزد شامیان ختم گردید و از یک والی تبدیل به خلیفه شد (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۰).

غارات که توسط معاویه و پیروان شامی‌اش صورت می‌گرفت، حلقه‌ی خاصی در سلسله‌ی طولانی فتنه به‌شمار می‌آید (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۸۴) که با هدف ایجاد ترس در دشمن و ضربه زدن به نقاط ضعیف از لحاظ دفاعی در حکومت علی (ع) صورت می‌گرفت (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۸۶). بر اساس منطق زمانی فتنه، می‌توان گفت غارات پایانی بر عمل مسلحانه مستقیم علیه علی (ع) بعد از فترت تحکیم بود (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۸۴).

عثمانیه و معتزلین مصر نیز با وجود اینکه با معاویه در یک جبهه قرار می‌گرفتند در مقابل معاویه و شامیان استقلال عمل خود را حفظ کردند (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۷) ولی با مقاومت اهل شام در برابر علی (ع)، آنان نیز در مقابل پیروان مصری علی (ع) ایستادند و توانستند امور مصر را قبضه کنند تا آنجا که علی ناچار شد مالک اشتر را برای کنترل امور مصر بفرستد (جعیت، ۲۰۰۰: ۲۴۸).

### ۳-۵. منابع و استنادات اثر

در خصوص منابع و استنادات اثر می‌توان گفت این کتاب بر اساس دو دسته مأخذ تالیف شده است یکی مأخذ اساسی قرن سوم هجری بویژه الرسل و الملوک طبری و انساب الاشراف بلاذری و دیگری سایر مأخذ همچون آثار دینوری، یعقوبی، خلیفه بن خیاط، ابن اعثم کوفی و مسعودی که آن‌ها را مأخذ دست دوم نام نهاده است. در این میان کتاب نصرین مزاحم منقری که مأخذ نسبتاً اساسی درباره‌ی پیکار صفین بشمار می‌رود از اهمیت بیشتری برخوردار است (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۲۹). اهمیت طبری و بلاذری در این است که از آثاری نقل قول کرده‌اند که امروزه در دسترس نیستند و مفقودند. به عنوان نمونه طبری از کتاب «جمل و مسیر عائشه و علی» اثر سیف بن عمر تمیمی (م ۱۷۳ه) استفاده کرده است که امروزه در دسترس نیست یا کتاب جمل مدائنی (م ۲۱۵ه). مثلاً در تاریخ طبری، اثر سیف را که بین ۱۴۰ و ۱۷۰ هجری نوشته و اثر ابومخنف را که از ۱۲۰ تا ۱۵۰ هجری نوشته است را بدون دخل و تصرف می‌خوانیم. در انساب الاشراف حوادث بزرگ جمل، صفین و نهروان سال به سال نیامده است بلکه در قالب سیره‌ی شخصی علی (ع) آورده شده است که در قسمت انساب بنی

هاشم قابل دسترسی است (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۰). اختلاف میان انساب الاشراف و الرسل و الملوک در نوع تاریخ‌نگاری نیست بلکه در چگونگی بهره‌گیری از منابع اولیه و کیفیت نقل و دسته‌بندی مطالب است. طبری در دوره یا در مرحله‌ای معین، مولفی را بر دیگری برتری می‌دهد. مثلاً در جمل بیشتر به سیف تکیه می‌کند و در صفین به ابومخنف. به همان نحو سیف را در باب فتوحات ترجیح می‌دهد و ابومخنف را در مسائل راجع به انقلابات شیعه و خارجی‌گری. در مقابل بلاذری به ابومخنف به همان اندازه استناد می‌کند که به مدائنی و عوانه اعتماد دارد و می‌فهمیم زمانی که می‌گوید «قالوا» به تمامی راویان قدیمی اشاره دارد (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۱). بلاذری در نقل مطالب مآخذ به اختصار و ترکیب البته بدون تحریف دست می‌زند در حالیکه طبری بدون دخل و تصرف مطالب را نقل می‌کند (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۲). بلاذری در خصوص این مرحله‌ی تاریخی منبع اصلی‌اش را ابومخنف قرار می‌دهد بویژه در حادثه‌ی جمل و جاهایی که سیف بن عمر سستی کرده است و بر عکس در ماجرای حکمیت روایت گزاره از صالح بن کیسان را نقل می‌کند. بنظر می‌رسد بلاذری به روایات شفاهی در کنار روایات مکتوب نیز توجه می‌کند حتی اگر این روایات محدود به دوره معینی نشود (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۲).

منابع مورد وثوق سیف بن عمر محمدبن نویره و طلحه بن اعلم هستند و سند روایات نصر بن مزاحم بیشتر به مجالد بن سعید، محمدبن سائب کلبی، ابن جناب کلبی، صالح بن کیسان، عمر بن سعد و عمرو بن شمر برمی‌گردد.

نویسنده در میان راویان بیشتر از همه ابومخنف را هم به سبب وجود گزارش کامل از نبردهای سیاسی و دینی قرن نخست از سوی او و هم به سبب تقدم زمانی‌اش بر دیگران ملاک توجه قرار داده است (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۵). از نظر او مورخان مؤسس در جهان اسلام ابومخنف، مدائنی و واقدی هستند که ابومخنف از آنان پنجاه سال جلوتر است. اطلاعات مهمی چون اخبار حکمیت جز از طریق ابی‌مخنف نرسیده است و گرچه روایتش در خصوص نبرد صفین توجه به قهرمان است به معنای اغراقی، لکن کمتر از روایت نصر بن مزاحم از وقایع، اشخاص و شعر پر است که این خود سبب درستی و ثقه بودن بیشتر او می‌شود (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۵). وحدت روش ابومخنف در مطالبی که متعلق به خودش است و در اخباری که مربوط به واقعه است و در گفت‌و-گوهایی که بین طرفین نزاع وجود دارد و در سخنران‌هایی که منسوب به علی (ع)،

معاویه و دیگران است به یک اندازه است. البته کتاب نصر بن مزاحم در ابتکار و ترتیب نسبت به او واضح تر است (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۵).

از دیدگاه نویسنده ابومخنف، سیف بن عمر، عوانه، ابن اسحاق، نصر بن مزاحم و حتی هشام بن محمد کلبی جمع‌کنندگان با غیرت میراث تاریخی عرب و حافظان خاطره‌ی اجتماعی هستند که خود را وقف بیان آن کرده‌اند و بدون آنها تاریخ اسلامی هرگز وجود نداشت (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۷). مورخان مذکور کما اینکه قصه‌گو بودند، اما حداقل در رویدادهای اساسی، در اشخاص بزرگ و اسکت‌بندی حوادث، واقعیت تاریخی را می‌گویند. حتی روایات سنگین با تفصیل تاریخی مثل روایات نصر بن مزاحم در وقعه الصفین نشان از احاطه داشتن نصر بن مزاحم به آن معرکه دارد. گرچه اتهام آنها به تشیع آشکار، می‌تواند امکان تشکیک در صحت مطالب آنها ایجاد کند. اثر شیعی بودن در سیف پیدا نمی‌شود (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۷). ابی مخنف هم تشییش عاطفی است نه مذهبی به گونه‌ای که ما به این نتیجه که او قصد دست‌کاری واقعیات را داشته است، نمی‌رسیم (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۸).

#### ۴. نقد و ارزیابی اثر

مؤلف با بکارگیری روش انتقادی و با توجه به وجود برخی روایات متناقض، سعی در ملاحظه‌ی دقیق حوادث دارد و تلاش می‌کند از تفکر دقیق که از طریق ارتباط مستقیم با متون صورت می‌گیرد بهره‌برد و بوقت لزوم بتواند خود را از آن کنده و به نقدش بپردازد (جعیط، ۲۰۰۰: ۱۳۹).

تلاش نویسنده برای بی‌طرفی علمی و پژوهش عالمانه‌اش قابل توجه است. او با علم و تسلط کافی بر آن دوره‌ی تاریخی، تحلیل‌ها و اظهارنظرهای دقیق و موشکافانه‌ای دارد که ذهن خواننده را از هندسه‌ی حوادث آگاه می‌کند و همه بیانگر ژرف‌نگری و تسلط همراه با تحلیل حوادث است.

نویسنده معمولاً در هر فصل با طرح سوالاتی، جهت ایجاد انگیزه در خواننده، مباحث مقدماتی خود را شروع می‌کند و نهایتاً در پایان هر مبحث با نتیجه‌گیری مختصر در حد چند خط، مقدمات ورود به مبحث بعدی را فراهم می‌نماید. از این رو متن کتاب از یک پیوستگی و همبستگی برخوردار است تا آنجا که خواننده برای فهم کامل مطالب مبحث فعلی، نیاز به مطالعه مطالب مبحث بعدی دارد. گرچه انسجام مطالب برای یک اثر

علمی مزیت محسوب می‌شود، اما عدم نتیجه‌گیری مستقل در هر مبحث و واگذار کردن آن به خواننده، امروزه مزیت به حساب نمی‌آید.

-این کتاب فاقد هرگونه تمرین، آزمون، جدول، تصویر، نمودار و نقشه است. با وجود این، لازم به ذکر است از آنجا که این اثر با رویکرد آموزشی تالیف نشده است و برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی که در سطح تخصصی بوده و به مآخذ رویکردی پژوهشی دارند، بسیار مناسب است.

-به نظر می‌رسد، نویسنده به سبب برخورداری از اطلاعات گسترده در زمینه موضوع مورد بحث، با استفاده از کلمات کلیدی و اصطلاحات تخصصی که برخی از آن‌ها ابداعی نویسنده است و نیز با موشکافی و دقتی تحسین برانگیز، توانسته است سوالات، ابهامات و نقاط تاریک و پیچیده تاریخی را از زاویه دید خود بخوبی روشن سازد و تصویری گویا از آن در ذهن مخاطب ایجاد کند.

-محتوا و موضوع این اثر بخش مهمی از حوادث تاریخ اسلام را دربر می‌گیرد و از این رو از اهمیت تاریخی خاصی برخوردار است و همانگونه که خود نویسنده نیز متذکر می‌گردد، این دوره منشا و آغاز شکل‌گیری گروه‌های مختلف فکری، سیاسی و مذهبی در جهان اسلام است. لذا با توجه به سطح بالای علمی این اثر و برداشت‌ها و تحلیل‌های جدید و کارگشای نویسنده‌ی آن در دوره مورد نظر، می‌توان گفت این کتاب از لحاظ محتوا و موضوع اهمیت بالایی داشته و برای بهره‌گیری پژوهش‌گران کاملاً مناسب است.

-امروزه برای دانشجویان و دانش‌آموختگان زیرمجموعه‌های رشته تاریخ و کسانی که مطالعاتی در این حوزه دارند، مطالعه آثاری از این قبیل و در این سطح به‌ویژه به‌جهت آگاهی از آرا و دیدگاه‌های جدید ضروری است. این اثر، پژوهشی تخصصی است که ضمن مآخذشناسی دقیق در خصوص مسائل مورد بحث و نقد و تحلیل داده‌ها و اطلاعات آن‌ها، آراء صاحب‌نظران و پژوهشگران معاصر را نیز مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. در پایان نیز نظر نویسنده را که عمدتاً جدید و قابل توجه است ارائه می‌نماید.

-از آنجا که این اثر از زاویه‌ای جدید و با نگاهی تازه به بررسی رویدادهای ده‌ساله ۳۰ تا ۴۰ هجری پرداخته است و همانگونه که نویسنده نیز در دیباچه آورده است، نخستین کتاب تاریخی در این موضوع است. لذا تقریباً تمامی کتاب، نوآوری است. هم از ساختار علمی نو برخوردار است و هم مولف مطالب و داده‌های خام تاریخی را با

ادبیاتی علمی و تحلیلی توأم با خلاقیت ارائه کرده است. با این اوصاف تنظیم جدیدی از مباحث صورت گرفته است.

-بدین سبب که بستر مطالب تاریخ بوده و نویسنده با رعایت تقدم و تأخر زمانی مباحث را تنظیم کرده است، نظم منطقی، انسجام مطالب و تسلسل (زمانی و محتوایی) بر کل اثر حاکم است. بین عناوین کلی و میان عناوین جزئی کتاب پیوند و ارتباط منطقی وجود دارد و مطالب نیز از یکدستی و همبستگی قابل توجهی برخوردار است، بگونه‌ای که ضرورت وجود هر کدام در جای خود، بوضوح احساس می‌شود. لکن از آنجاکه این اثر فاقد نتیجه‌گیری مستقل و جمع‌بندی نهایی است، خواننده باید خودش نتیجه‌گیری نهایی را از طریق استخراج و ترکیب نتایج جزئی از بطن مباحث بدست آورد.

-مآخذ مورد استفاده اثر از اعتبار علمی کافی برخوردار است و نویسنده به تناسب، از منابع اصلی، مراجع عربی و مراجع لاتین برای استحکام و مستندکردن مباحث و نیز تبیین موضوعات و نقد و بررسی آراء و نظریات بهره فراوانی برده است. در همین راستا مولف تلاش کرده است بوقت لزوم با وسواس علمی، اختلاف روایت‌ها و تفاوت برداشت‌های راویان اولیه را متذکر شده و سپس مورد نقد و تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

-از آنجایی‌که این اثر عالمانه و مطابق اصول روش تحقیق و اسلوب علمی نگاشته شده است، امانت را در ذکر منابع و مراجع رعایت کرده و در استنادات و ارجاعات دقت کافی وجود دارد.

-نویسنده تمام هم و غم خود را جهت ارائه‌ی تحلیل‌های عالمانه، توأم با بی‌طرفی مصروف داشته است و در این خصوص تا حد بسیار زیادی موفق بوده است.

-محتوای علمی و پژوهشی اثر با مبانی و پیش‌فرض‌های مورد قبول سازواری دارد و با بی‌طرفی که نویسنده در بررسی‌های خود دارد تعارضی میان محتوای این اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی بچشم نمی‌خورد.

-با توجه به تعلق خاطری که نویسنده به تاریخ مسلمانان بویژه آن دوره‌ی مهم از تاریخ اسلام دارد و نسبت به رویدادهای آن حساسیت ویژه‌ای از خود نشان می‌دهد، رویکرد اثر نسبت به فرهنگ و ارزش‌های دینی و اسلامی، رویکردی مثبت است.

- نویسنده مطالب را دسته‌بندی نکرده است و در قالب و شکل روایت تاریخی مطالب را کنار هم چیده است، لذا برای دریافت نظر نویسنده، خواننده ناچار است مطالب بسیاری را بخواند تا به نظر نویسنده در خصوص موضوعی معین دست پیدا کند.

- نثر نویسنده شورانگیز و احساسی و بدنبال جلب همراهی خواننده است و تلاش می‌کند این مهم را با برانگیختن احساسات مخاطب محقق کند. می‌توان گفت حالت ادبی نثر کتاب بیشتر از حالت پژوهشی آن است و قبل از اینکه سبک پژوهشی قلمداد شود یک سبک ادبی به حساب می‌آید. به عبارت روشن‌تر نویسنده از قلم خنثی و معیار استفاده نکرده است، بلکه با عباراتی تاثیرگذار که انگار خودش در ماجرا حضور داشته مطالب را بیان می‌کند. شاید بتوان علت این مسئله را اعتقاد و تکیه‌ی بیش از اندازه‌ی او به مورخان مسلمان و نهایتاً برجسته کردن دید آنها دانست. لذا در این زمینه می‌توان گفت احتمالاً او در نگارش مغلوب متون تاریخی و زبان مورخان شده است و نتوانسته است خودش را از آن فضا خارج کند.

- این اثر را می‌توان پژوهشی درون دنیای اسلامی دانست که در پژوهش نیز زیر سپهر و گفتمان جهان اسلامی قرار می‌گیرد، لذا با تکیه بر سخن مورخان مسلمان و با تکیه بر احساسات اسلامی مطالب را نگاشته است و تقریباً حس اسلامی را در تمامی موارد حفظ کرده است.

- نویسنده غافل از وضعیت دین و جامعه‌ی حقیقی و ایده‌آل اسلام است، یعنی نویسنده نه تنها ویژگی‌هایی که در دوره‌ی خلفا بروز کرده و مسبب این رویدادها شده است را مدنظر و تحلیل قرار نداده، بلکه داوری و ارزیابی خود را بر مبنای واقعیات جامعه‌ی آن عصر در نظر گرفته و بر همان اساس به تحلیل حوادث پرداخته است. اگر نویسنده با رویکردی تحلیلی و موشکافانه به بررسی دقیق و عمیق اسباب و مسببات اصلی بروز این حوادث، که عمدتاً ریشه در رویدادهای بلافاصله پس از رحلت پیامبر(ص) نظیر جانشینی ایشان و بروز گفتمان‌های موازی و بعضاً معارض با گفتمان اسلام نبوی یعنی گفتمان فتوحات و گفتمان اشرافیت دارد، می‌پرداخت، به تحلیل‌ها و نتایج موثرتر و نزدیک به واقع‌تری دست می‌یافت.

- نویسنده صرفاً به شکل استقرایی به ارائه‌ی مطالب پرداخته است و در تنظیم مطالب بیشتر از فن و شیوه‌ی سخنرانی بهره برده است. این مساله در کنار توصیفی و هیجانی شدن قلم، منجر به تکرار مکررات یا برانگیختن حس و تحریک خواننده شده است.

اگر از شیوه‌ی قیاسی نیز بهره می‌گرفت و مطالب در پایان هر فصل در قالب نتیجه، دسته‌بندی و تنظیم می‌شد، فهم مطالب و مقصود نویسنده برای خواننده آسان‌تر بود. در پایان، ضمن احترام به آرا و نظریات نویسنده‌ی محترم، قابل ذکر است که در چند مورد برداشت‌های ایشان قابل نقد است. ابتدا مسأله‌ی عدم پیش‌بینی علی (ع) از شورش و بیعت شکنی طلحه و زبیر است، که سبب شد ایشان اجازه‌ی عزیمت آنان به مکه را بدهد (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۴۸). در این خصوص باید گفت در منابع به این مسأله که احتمال بیعت شکنی طلحه و زبیر وجود داشت آشکارا اشاره شده است (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۴۵۱؛ یعقوبی، بی تا: ۱۸۰؛ بلاذری، ۱۳۹۴: ۲۲۲؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۵۷؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰: ۷۱)، لذا می‌توان گفت علی با تکیه بر اصل عدم قصاص قبل از جنایت منتظر عمل آنان ماند. این نظر که حرکت عایشه و طلحه و زبیر معطوف به مظلوم کشته شدن عثمان است نه به تغییر در حکومت مدینه یا دشمنی با آن (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۴۹) نیز پذیرفته نیست و این که یادکرد عایشه در سخنرانی‌اش برای بصریان از اصلاح به معنای قرآنی آن، (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۵۰) و عدم اتحاد اصحاب جمل، علیه علی (ع) با معاویه را نشانه‌ی اصلاح طلبی آنان بدانیم (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۵۲) با اندکی تأمل و بررسی قابل رد است، اگر اصحاب جمل با شخص علی (ع) مخالفتی نداشتند چرا مسبب جنگ جمل شدند و با او جنگیدند؟ در واقع، طلحه و زبیر و عایشه که از مخالفان اصلی عثمان محسوب می‌شدند و در ایجاد شورش علیه او نقش موثری داشتند، روی کارآمدن علی (ع) را خلاف انتظار خود می‌دیدند و با برپایی جنگ جمل بدنبال تغییر شرایط به نفع خود و برکناری علی (ع) از حکومت بودند.

## ۵. نتیجه‌گیری

موضوع این اثر، بخش مهمی از حوادث تاریخ اسلام را دربر می‌گیرد و لذا از اهمیت تاریخی خاصی برخوردار است. رویدادهای این دوره منشا شکل‌گیری گروه‌های مختلف فکری، سیاسی و مذهبی در جهان اسلام است. نویسنده با توجه به اینکه در این دوره‌ی زمانی، اختلافات عمیق و بزرگی میان مسلمانان به وجود آمده و آنان در تشخیص درست از نادرست و حق از باطل با مشکل مواجه شدند اصطلاح فتنه را برای این دوره انتخاب کرده است. نویسنده در این اثر با بکارگیری روش انتقادی و تلاش جهت رعایت بی‌طرفی علمی و ارائه‌ی تحلیل‌های جدید و کارگشا و اظهارنظرهای



دقیق و موشکافانه توأم با علم و تسلط کافی، اثری با سطح بالای علمی خلق کرده است. برخورداری متن کتاب از نظم منطقی، انسجام و تسلسل (زمانی و محتوایی)، در کنار بهره‌گیری نویسنده از اصطلاحات تخصصی - که برخی از آن‌ها جدید و ابداعی است - ابهامات و نقاط تاریک و پیچیده تاریخی را زدوده و تصویری روشن و گویا از حوادث آن دوره در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. نویسنده با طرح سؤالاتی در آغاز هر مبحث و نتیجه‌گیری مختصر در پایان آن ضمن ایجاد انسجام در ارائه مطالب، در خواننده جهت دنبال کردن مباحث ایجاد انگیزه می‌نماید. در این اثر، ضمن مآخذشناسی دقیق در خصوص مسائل مورد بحث و نقد و تحلیل داده‌ها و اطلاعات آن‌ها، آراء صاحب‌نظران و پژوهشگران معاصر نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، لذا تقریباً تمامی کتاب، نوآوری است. هم از ساختار علمی نو برخوردار است و هم مولف مطالب و داده‌های خام تاریخی را با ادبیاتی علمی و تحلیلی توأم با خلاقیت ارائه کرده است. مآخذ مورد استفاده اثر از اعتبار علمی کافی برخوردار است و نویسنده به تناسب، از منابع اصلی، مراجع عربی و مراجع لاتین برای استحکام و مستند کردن مباحث و نیز تبیین موضوعات و نقد و بررسی آراء و نظریات بهره فراوانی برده است. در همین راستا مولف تلاش کرده است بوقت لزوم با وسواس علمی، اختلاف روایت‌ها و تفاوت برداشت‌های راویان اولیه را متذکر شده و سپس مورد نقد و تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

لکن از آنجاکه این اثر فاقد نتیجه‌گیری مستقل و جمع‌بندی نهایی است، خواننده باید خودش نتیجه‌گیری نهایی را از طریق استخراج و ترکیب نتایج جزئی از بطن مباحث بدست آورد. تا آنجا که خواننده برای فهم کامل مطالب مبحث فعلی نیاز به مطالعه مطالب مبحث بعدی دارد. نویسنده مطالب را دسته‌بندی نکرده است و در قالب و شکل روایت تاریخی مطالب را کنار هم چیده است، لذا برای دریافت نظر نویسنده، خواننده ناچار است مطالب بسیاری را بخواند تا به نظر نویسنده در خصوص موضوعی معین دست پیدا کند. حالت ادبی نثر کتاب نیز بیشتر از حالت پژوهشی آن است و قبل از اینکه شیوه‌ی پژوهشی قلمداد شود یک شیوه‌ی ادبی بنظر می‌رسد. نویسنده داوری و ارزیابی خود را بر مبنای واقعیات فعلی جامعه‌ی آن عصر بنا کرده و بر همان اساس به تحلیل حوادث پرداخته است. اگر نویسنده با رویکردی تحلیلی و موشکافانه به بررسی دقیق و عمیق اسباب و مسببات اصلی بروز این حوادث، که عمدتاً ریشه در رویدادهای

بلافاصله پس از رحلت پیامبر(ص) نظیر جانشینی ایشان و بروز گفتمان‌های موازی و بعضاً معارض با گفتمان اسلام نبوی یعنی گفتمان فتوحات و گفتمان اشرافیت دارد، می‌پرداخت، به تحلیل‌ها و نتایج موثرتر و نزدیک به واقع‌تری دست می‌یافت. نویسنده صرفاً به شکل استقرایی به ارائه‌ی مطالب پرداخته است و لازم بود از شیوه‌ی قیاسی نیز بهره می‌گرفت و مطالب در پایان هر فصل در قالب نتیجه، دسته‌بندی و تنظیم می‌شد.

### منابع

- ابن اعثم کوفی، أحمد (۱۴۱۱)، الفتوح، تحقیق علی شیری، ج ۲، ط الأولى، بیروت: دارالأضواء.
- ابن قتیبة دینوری، عبد الله (۱۴۱۰)، الإمامة و السياسة، تحقیق علی شیری، ج ۱، ط الأولى، بیروت: دارالأضواء.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۴)، انساب الأشراف، تحقیق محمد باقر المحمودی، ج ۲، ط الأولى، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- جعیط، هشام (۲۰۰۰)، الفتنة، چاپ چهارم، بیروت: دارالطلیعه.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، ج ۲، ط الثانية، قم: دارالهجرة.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، بیروت: دار صادر.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی